



# همی بر همسویی

پانوشتی بر نخستین هم اندیشی «دین از چشم سینما»



## نگاه نخست

نیست. شاید آنچه بیش از هر چیز نشانگر سینمای دینی باشد، بینش فیلمساز و تأثیری است که فیلم بر مخاطبین باقی می‌گذارد. این تأثیر می‌تواند از به تصویر کشیدن عالم غیب یا ارتباطات انسانی در جهان مادی نشأت گیرد. آنچه بنظر مهم می‌رسد شیوه بیان و نحوه نگریستن به موضوع است نه صرف موضوع. بنابراین سینمای دینی می‌تواند مجموعه‌ای از فیلمهای متفاوت تاریخ سینمای جهان باشد، همانگونه که هنر دینی چند هزار ساله ادیان و مذاهب را در پشت سر دارد و این همه از نیازی سرچشمه می‌گیرد که شاید اولین نشان آن را بتوان به نقاشیهای درون غار انسانهای اولیه نسبت داد. این مجموع تلاشهایی است که انسان از ازل در جستجوی آن لایزال و آن نیکی مطلق، کرده است.

### سینما، هنر اندیشه

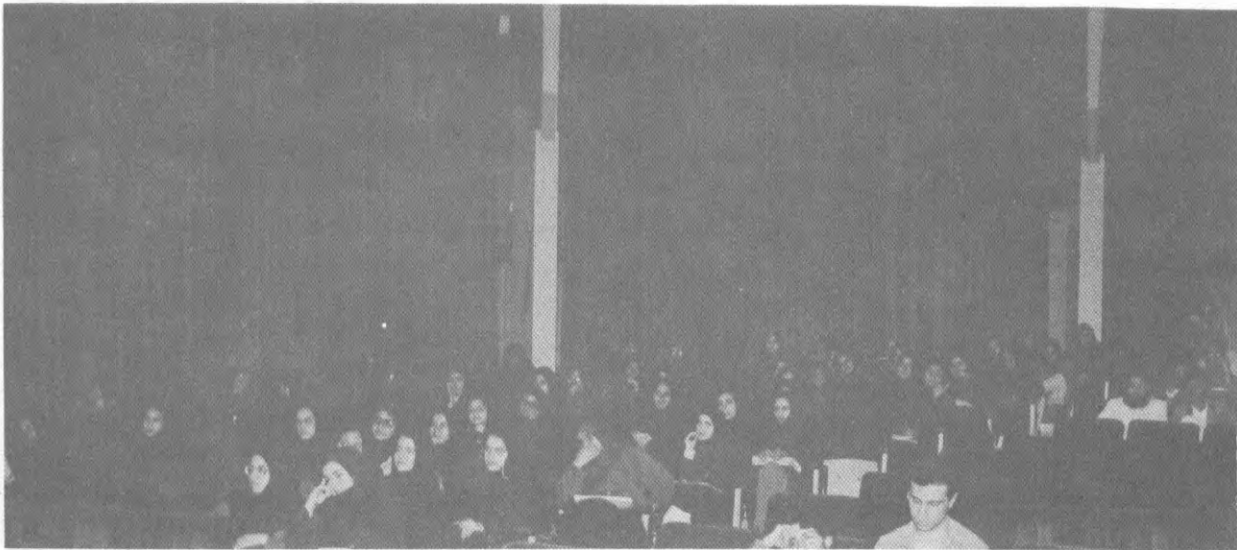
«همه معتقدند به اینکه آنچه هست تنگنای زشت و ناقصی است. بنابراین هر کس در یک تنگنا قرار می‌گیرد که آن محل برایش تاریک و زشت است و جای او نیست، از آن احساس نفرت و غربت و شوق گریز می‌نماید. بعضی‌ها که به دین معتقدند، می‌گویند باید از این تنگنا به آن دنیایی که باید باشد دری (باز کرد) و بیرون رفت، ولی کسانی که می‌گویند ما در اینجا اسیر هستیم و نمی‌توانیم بجای دیگر برویم، چون جای دیگری نیست، همین جا را بصورت جهان ایده‌آلشان (بهشتی که باید باشد) می‌سازند. هنر چنین کاری را می‌کند. بنابراین دین دری است بطرف عالم دیگری که باید باشد (به بودن و نبودنش کاری نداریم) و هنر پنجره ایست. هنر می‌گوید ما همینجا هستیم و نمی‌توانیم بجای دیگر برویم و در هر حال محکوم به بودن در آن هستیم، بنابراین پنجره را باز می‌کند که آن دنیای ایده‌آل را بداخل بکشاند (از طریق چشم، نگاه و...) بداخل دنیایی که زشت و ایده‌آل نیست. بعبارت دیگر

دین راه تعالی و مسیر سیر بسوی حقیقت است و هنر، تأثیرها و تأثرها، تلاشها و جستجوهای انسان است برای نزدیک شدن به مفهوم حقیقت. صحت و سقم این تعاریف، رابطه و تفاوت‌های این دو و لزوم چنین مباحثی جای «بسیار اندیشیدن و بسیاری اندیشه‌ها» است. آنچه که نخستین هم‌اندیشی «دین از چشم سینما» بدین باور و امید به آن آغاز شد.

اولین عنوان مورد بحث در این نشست یافتن تعریف مناسبی برای سینمای دینی و بازشناسی فیلمساز دینی است، اما آنگونه که از ماحصل این هم‌اندیشی برمی‌آید یافتن یک تعریف مشخص برای سینمای دینی خود جای دقت و توجه فراوان دارد. گروهی از اندیشمندان، هنرمندان و دست‌اندرکاران حاضر در نشست نظرات متفاوت و گاه متضادی ارائه دادند که این روزنه‌امیدی بود برای گفتگو، بحث و راهیابی به مفاهیم و نتایج تازه.

### باورها و اندیشه‌ها

عده‌ای بر این باورند که سینمای دینی تاکنون وجود نداشته است و از این پس باید به ضرورت پیدایش آن پرداخت. عده‌ای دیگر بر این باورند که هر هنر متعالی هنر دینی است... یا هر فیلم محصول جمهوری اسلامی فیلمی دینی است... عده دیگری صرفاً به تصویر کشیدن عالم غیب را شاخصه سینمای دینی تلقی می‌کنند. در یک جمع بندی کلی می‌توان دریافت که سینمای دینی یک «ژانر» با یک تعریف کلیشه‌ای و دقیق و مدون نیست. سینمای دینی تعلق به زمان، کشور و فیلمساز خاصی ندارد. سینمای دینی ضرورتاً روایتگر رخداد‌های تاریخ ادیان و سرگذشت پیامبران و معصومین نیست. سینمای دینی دارای مشخصات تکنیکی یکسان و دقیق و ضرورتاً دارای موتیف‌های خاص ژانرهای سینمایی



به بی اعتقادی هنرمند نسبت دهیم) باید در نظر داشته باشیم که سینما جامعترین هنر با بیشترین امکان برای به تصویر کشیدن این نیازها و این نیازها بهترین شیوه برای راهیابی نور چه راهی نزدیکتر از انتخاب هنر نور و رنگ ... و برای گشودن قفل معرفت چه کلیدی راهگشا تر از معرفت عشق و برای رسیدن به اشراق چه چیز مؤثرتر از سماع ذرات معلق نور؟ سینما می تواند متعالی ترین وسیله تعالی در هنرهای دینی باشد و اصولاً طرح چنین بحثی به رغم تمامی کاستیها، سرآغازی است بر گفتگوهای بسیار و اندیشیدن در این باب.

#### سینما، شعری تعالی بخش

سینما یا به تعبیری دقیقتر سینمای حقیقی (نه هر آنچه بنام سینما عرضه می شود)، هنر ایجاز و تمثیل و تشبیه است. در سینما آنچه می بینیم ما را به آنچه ندیده ایم رهنمون می سازد. نماها یک به یک همچون قافیه های یک شعر ناب اندیشه ما را به جریان برمی انگیزد و ما از تصویر به مفهوم و از دیدن به اندیشیدن می رسیم ... سینما می تواند بسیاری کلامها را در یک نما با کمترین زمان به بیننده انتقال دهد (ایجاز)، می تواند کوچکترین کلام را در مفاهیم و تصاویری با جزئیات و دقت فراوان بسط دهد. می تواند مفهومی کاملاً مشابه یا متضاد با تصاویر بیافریند، تماشاگر سینما مانند خواننده شعر حافظ می تواند به اندازه دانش و شعور و آگاهی خود با تصاویر ارتباط برقرار کند و به درک تازه ای از تصاویر برسد. سینما می تواند نمادگرا و تمثیل گونه باشد ... و نه با چشم که با قلمرو روح و درون انسان مرتبط باشد.

«مقام اصلی مرد دین، قلمرو روحی و درونی اوست و ارتباط منطقی یا مستقیم را بر نمی تابد. مطلوب ترین شیوه آموزش

عرفان دریست بدنیای دیگر که باید باشد و هنر پنجره ای بآن دنیاست. فلسفه پنجره، یعنی احساس بودن در جایی که آرزو داریم باشیم و نیستیم، کاذبانه در ما پدید می آید، در صورتی که در آنجایی هستیم که آرزو داریم در آنجا باشیم. کار پنجره اینست؛ درحالی که نباید باشیم، گرفتاریم و پنجره بما احساس بودن در جایی را می دهد که نیستیم (جایی که باید می بودیم، اما در آن نیستیم). بنابراین پنجره در حضور بد، غیبت خوب را به انسان می دهد، بعبارت دیگر پنجره کارش اینست که در جایی که هستیم، اما آرزوی گریز از آن را داریم، (احساس کاذب «در آنجا نبودن» را بدهد).

انسان، از آن جهت، تلاش می کند که از زندان دائم خود رهایی یابد، و برای اینکه راه گریز و فراری بیابد دائماً دست بدر و دیوار عالم می کشد. بنابراین نیاز گریز و داشتن پنجره ای در او شدیدتر است. دائماً در جستجوی روزنه ای بطرف بیرون است. اگر چنین روزنه و پنجره ای را نیابد، حتی اگر بدروغ هم شده، در خیالش آن را می سازد. این اضطراب است که دائماً در طول تاریخ بشر وجود داشته، آنچه که اسمش اضطراب دینی است. اگر در طول تاریخ همواره بشر بدنبال دین می گشته است، بدنبال یافتن آن پنجره یا دری بوده است که چه از طریق نگاه و چه با وجودش از آن فرار کند. بهر حال اگر معتقد هم به عالم بیرون نبوده، نیازهایی دارد که طبیعت از برآوردنش عاجز است. یا هنرمند آن نیازها را می سازد، یا مذهب راه فرار از آنجایی را که غریبتش است، از آنجایی را که شایسته بودنش نیست، نشان می دهد.»<sup>۱</sup>

و اما سینما که هنر در آمیختن نورها و رنگهاست ... هنر کلام و بیان و تصویر و صداست. هنر گفتار و شنیدار، هنر درام، هنر تصویر و هنر آشتی هنرهاست یکی از غنی ترین هنرها برای گشودن این پنجره است. (بی آنکه بخواهیم این تفاسیر را صرفاً



می تواند ابعاد این قالب را به ما بنمایاند. اما مسلماً در میان فرمها و قالبهای متفاوت می توان بهترینها را برگزید و با تلفیق آن با اندیشه خلاق به شیواترین نوع بیان و شکل ترین قالب رسید.

### تصویر زن در سینمای دینی

برای نگاه کردن به تصویر زن در سینمای دینی می بایست کمی گسترده تر به تصویر زن در کل سینما نگاهی بیندازیم. بخاطر بیاوریم تاکنون چند فیلم دیده ایم که در آن زن نقشی فعال و مثبت (و نه منفعل و از سر تفنن حضور) داشته است؟ و از میان این فیلمها در چند فیلم این زنان فعال برآستی حضوری زنانه داشته اند؟ و از میان این فیلمها چه تعدادی از آنها به کشور ما تعلق دارند؟ مسلماً پاسخ به این سئوالها بسیار دشوار است. تصویر زن در سینما، همواره تصویری محو و کم رنگ و خدشه پذیر بوده است و این ضعف متأسفانه حتی بسیاری از فیلمهای فیلمسازان زن را نیز دربرمی گیرد. با وجود آنکه تعدادی از تصاویر والای زن در سینما به سینمای دینی تعلق دارد، این مشکل طبعاً به سینمای دینی نیز راه یافته است. در مصائب ژاندرک درایر و ژاندارک برسون تا حتی فیلم آهنگ برنادت ... تصاویر دیدنی و قابل تعمقی از زن را شاهد هستیم، ولی این اگرچه لازم ولی کافی نیست.

شاید این معضل به سنت غلط سینما بازگردد، سنتی که ناخواسته و ندانسته نسل به نسل به فیلمسازان انتقال می یابد و شاید به تبع نتایج نامرئی آنست که در نشست «زنان در سینمای دینی» هیچ خانمی حضور ندارد. می توان دریافت که برای ارائه تصویر درستی از زن در سینما، خصوصاً سینمای دینی کافی است تا نگاهی دقیق و موشکاف داشته باشیم. در کشور ما که زن برآستی مظهر ایمان و فداکارترین نوع بشر «مادر» است ... تصویر حقیقی او بدون تردید ابعاد ایمان و حقیقت دینی او را دربر خواهد گرفت. در آن هنگام برای نمایش زن در سینمای دینی صرفاً به ساختن فیلمهای شخصیتهای مذهبی زن نیاز نداریم بلکه در جامعه امروز می توانیم بازتاب تمامی خصایص متعالی معصومین را در شخصیت زنان و مادران جستجو کنیم. طرح مسئله حجاب در نشست روز سوم و صحبتهای آقای تقوایی در آخرین روز هم اندیشی نشان داد که تصویر زن در سینما، هنوز جای بحث و تحلیل فراوان دارد و این مسئله تنها زمانی حل خواهد شد که اهل فقه و اهل سینما با حل مشکلات و توافق بر سر جزئیات به مشکل نامشخص بودن معیارها پایان دهند و فیلمسازان ما بتوانند تصویری شایسته و بایسته شخصیت زن بیافرینند.

مسیح، تمثیل یعنی روشی که برای تعبیرهای گوناگون جای بسیار باز می گذارد، با همین واقعیت مربوط است.<sup>۲</sup> از این رو سینما بخاطر گستردگی ابعاد و ارزشهای ویژه خویش و نیز بخاطر شباهتها و زیربافت های مشترک، توانمندترین هنر برای تجسم دین و ارائه مفاهیم دینی است.

### در جستجوی قالب های تازه

اگرچه رسیدن به تعریف و یافتن مشخصه های خاص سینمای دینی با وجود تلاشها و اظهار نظرهای تمامی حضار در این نشست به نتیجه ای دقیق و معین نرسید، ولی خواسته یا ناخواسته این پندار را پدیدار ساخت که همانگونه که دین، معرفتی بسیار گسترده و تبلوری بسیار درخشان دارد و با وجود سادگی از پیچیدگیهای بسیاری برخوردار است، سینمای دینی که می باید بازتاب همین معرفت باشد نیز بی تردید دارای ابعادی بسیار گسترده و ساختاری بلورین و چندین وجهی است ... همانسان که ذات هنر سینما نیز دارای چنین شاخصه ای است. سینمای درایر سینمایی درخشان و ارزشمند است، اما تعریف این هنر در او ختم نمی شود، بلکه برسون نیز با خصوصیتها و حساسیتهای خاص خود دارای سینمایی متفاوت اما همچنان ارزشمند و درخشان است ...

این بحث به محدوده اخلاقیات دینی در سینما نیز بازمی گردد. ایثار، شجاعت، نوع دوستی، ایمان، مهر، تزکیه نفس، زهد و پاکدامنی همه و همه صفات اخلاقی پسندیده ادیان هستند، اما سینما می تواند بدون نمایش هیچیک از اینها و تنها با ایجاد تأثیر درونی هر یک از این مواهب در مخاطبین خود بسیار بدین همه نزدیک باشد. «ارتباط نامستقیم در قلمرو حقیقت دینی، انتخاب اخلاقی را ضروری می سازد. و در ضمن درخواست باطنی، از شنونده می طلبد تا وضع خویش را در مورد ناکافی بودن و گناهکار بودن بجوید و با صداقت، آینده پرتوان خود را منظور دارد».<sup>۳</sup>

هنر دینی قطعاً تابع اخلاقیات است اما نمایش و تبلیغ اخلاق گرایی ضرورتاً محدوده بسته سینمای دینی نیست. بگذارید در یک جمع بندی نگاه کنیم که هر تعریفی که سینمای دینی را محدود کند، آن را مخدوش ساخته است. سینمای دینی در واقع مجموعه جریانهایی است که یک حرکت و تأثیر تعالی بخش را در اندیشه و روح انسان پدید آورد. این جریانه لزوماً در محدوده قالبهایی خاص و از پیش تعیین شده قرار نمی گیرند، چرا که تعیین این قالبها راه بر خلاقیت و تفکر می بندد و سینما را از قلمرو هنر خارج می کنند. هر فیلمساز به تناسب دانش، فرهنگ و خلاقیت خود قالبی مناسب برمی گزیند و این جوهره نهفته در فیلم است که



مصائب زاندارك - دربار

هم اندیشی یا تک اندیشی؟

در نخستین هم اندیشی «دین از چشم سینما» با وجود ایجاد اولین بارقه های تفکر و گفتگو، برخی سوء تعبیرها در بازشناسی سینمای دینی وقفه هایی در حرکت پیش رونده مباحث ایجاد می کرد. بعنوان نمونه معرفی فیلمی مانند روح (جری زوکر) به عنوان نمونه ای از سینمای دینی شاید یکی از این سوء تعبیرها باشد.

می دانیم که فیلم روح با وجود آنکه روح انسان و ابعاد غیرمادی وجود انسان را به نمایش می گذارد ولی انگیزه حضور و باقی ماندن این روح در دنیای مادی عشق دنیوی اوست به همسرش که حتی این روح (که در پایان فیلم در نور سیال آبی فام راهی بهشت می شود) در طول فیلم به کرات تمایلات جسمانی و جنسی خود را به نمایش می گذارد. پس می توان دوباره به این نتیجه رسید که در سینمای دینی اصل، نمایش دین یا مفاهیم دینی نیست، بلکه این پیامدها و تأثیرات دینی است که می تواند معرف سینمای دینی باشد. به هر حال هر چند صحیح یا خطا، تلاقی و تبادل نظریات است که می تواند راهگشایی برای کشف کشف نشده ها باشد. بشرط آنکه هوشیارانه راه درست را بازشناسیم و همدلی را از همزبانی خوشتر داریم.

توانائیهای سینمای ایران در ارائه مفاهیم دینی

یکی دیگر از موضوعهای مورد بحث در هم اندیشی توانائیهای سینمای ایران در ارائه مفاهیم دینی بود. سینمای ایران تا آنجا که به محدوده تفکر باز می گردد عرصه بازی است برای بیان و ارائه مفاهیم دینی، مشروط بر آنکه تمام فیلمهایی را که سالانه ساخته می شوند، سینما تلقی نکنیم و به شرط آنکه فیلمسازان صنعتگر را از فیلمسازان اندیشمند و هنرمند جدا کنیم.

سینمای ایران می تواند توانمندترین نوع سینمای دینی باشد، اگر دست سینماگر را باز بگذاریم و به او امکان اندیشیدن، خلاقیت و پرهیز از کلیشه سازی بدهیم. در آن صورت و پس از

گذشت زمان، زمان و زمانه قضاوت خواهد کرد که آیا سینمای دینی توانسته است به بیان صحیح و محتوایی راستین دست یابد؟ این سؤال خود می تواند پاسخگوی سؤال آقای راعی پیرامون چگونگی رسیدن به یک روش و دستورالعمل کاربردی (نه فقط تئوریک) در سینمای ما باشد و چه خوش گفته اند که: به عمل کار برآید به سخندانی نیست.

#### انجام

نخستین هم اندیشی دین از چشم سینما، شاید بخاطر نداشتن پیشینه و تجربه قبلی و شاید بخاطر عدم وجود هیچ الگوی مشابه و مشکلاتی که همواره «نخستین» ها با آن دست به گریبانند و یا حتی مغایرت این مبحث با تمام نشست ها و سمینارهای دیگر، دچار تشتت و مشکلاتی از جمله برنامه ریزی اجراء و عدول از دستور جلسه بود (پرداخت اندک به مقوله زن، سینمای جنگ و...) اما امید آن می رود که طرح مسئله سینمای دینی و نگاه به مقوله دین از نظر گاه سینما، باب گفتگو و اندیشیدن را پس از این نشست و نشست ها بر اندیشمندان و هنرجویان و هنردوستان بگشاید به خصوص در کشور ما که مخزن غنی ترین و درخشان ترین مظاهر هنر دینی است و معماری اسلامی ما براستی مفخری عظیم و گنجینه ای ارزشمند در تاریخ هنر ماست و به رغم ارزشهای والای هنرهای تصویری ما خصوصاً نگارگری ایرانی، دریغ است که «سینما» این هنر مهجور مانده را همچنان مهجور نگاهداریم و در حفظ و تعالی آن نیندیشیم و نکوشیم.

الف. ب.

#### پانوشتها

۱. برگرفته از کتاب «هنر» دکتر علی شریعتی
- ۲ و ۳. برگرفته از کتاب پیام آوران عصر ما نوشته ویلیام هابن، ترجمه عبدالعلی دستغیب